



فرمان شاه عباس دوم به پادشاه لهستان / تصویر نامه

با روی کار آمدن صفویان در آغاز قرن دهم هجری و تلاش آنان برای حفظ تمامیت ارضی ایران، دشمنی دامنه داری از جانب این سلسله با ازبکان از شرق و عثمانیان در غرب، بوجود آمد.

با روی کار آمدن صفویان در آغاز قرن دهم هجری و تلاش آنان برای حفظ تمامیت ارضی ایران، دشمنی دامنه داری از جانب این سلسله با ازبکان از شرق و عثمانیان در غرب، بوجود آمد.

پس با توجه به این دشمنی ها، و اوضاع و احوالی که بر منطقه حاکم بود، و همچنین نیاز به پیشرفت و ایجاد روابط تجاری با خارج از مزرها از جانب دولت صفوی نیاز به یک متحد قوی از لحاظ سیاسی و نظامی و اقتصادی احساس می شد. در همین دوره غرب (اروپا) در آغاز راه نوزایی و رنسانس به سر می برد و در موضع پیشرفت و قدرت بود و از دانش و کارشناسی به بهترین شیوه موجود بهره می برد،

در قاره اروپا به موازات این نوزایی پدیده استعمار نیز در حال رشد بود و در پی کسب منافع و نقاط استراتژی در تمامی سرزمین های جهان و از جمله ایران بود. بدین تریب طبیعی بود که دولت صفوی که تا حد زیادی از اهداف استعماری نیز بی خبر بود تمایل شدیدی برای ایجاد ارتباط با اروپایی قوی (از جنبه های مختلف) پیدا کند.

در اولین ارتباط که با پرتغالیان و بعدها اسپانیا صورت گرفت شاهد ارتباط دوستانه نیستیم چرا که اروپا و به تبع آن پرتغال و اسپانیا در پی اهداف استعماری خود بودند و ایران هم برای رفع نیازها و مقابله با دشمنان خود (ازبکان و عثمانیان) در پی متحدی سیاسی و نظامی قوی بود. اما تنها نقطه اشتراک بین آنها دشمن مشترکی به نام عثمانی بود که در عین حال هم برای ایران و هم برای اروپا تهدیدی جدی محسوب می شد و شاید هم تنها عامل برجسته ای بود که غرب و ایران را در این برهه زمانی به هم نزدیک نمود.

منبع: سایت جوان و تاریخ